پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

داریوش بزرگ

هخامنیشیان پس از کوروش

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۲۹ مرداد ۱۳۹۳ · ۷ دقیقه مطالعه

چکیدهٔ مقاله

هخامنیشیان پس از کوروش در روایتی آمده است کوروش بزرگ درسال ۵۲۸ پیش از میلاد بدست وحشیانی که از شمال به ایران حمله کردند کشته شد.او در این هنگام دو پسر داشت به اسم های کموجیه و بردیا ، کمبوجیه پسر بزرگ کوروش بود به همین خاطر پس ازمرگ پدر به پادشاهی رسید. او پس از رسیدن به قدرت تصمیم گرفت کار نیمه تمام پدر خود را به اتمام برساند و به مصر حمله کند او می دانست که حمله به مصر به خاطر طولانی بودن راه و گرفتاری های جنگ ممکن است سال ها طول بکشد. کمبوجیه می ترسید که درغیابش برادر او حکومت را از چنگ او در

پارسیان دژ / داریوش بزرگ

هخامنیشیان پس از کوروش

در روایتی آمده است کوروش بزرگ درسال ۵۲۸ پیش از میلاد بدست وحشیانی که از شمال به ایران حمله کردند کشته شد.او در این هنگام دو پسر داشت به اسم های کموجیه و بردیا ، کمبوجیه پسر بزرگ کوروش بود به همین خاطر پس ازمرگ پدر به پادشاهی رسید. او پس از رسیدن به قدرت تصمیم گرفت کار نیمه تمام پدر خود را به اتمام برساند و به مصر حمله کند او می دانست که حمله به مصر به خاطر طولانی بودن راه و گرفتاری های جنگ ممکن است سال ها طول بکشد. کمبوجیه می ترسید که درغیابش برادر او حکومت را از چنگ او در آورد بخاطر همین قبل ازحمله به مصر دست به کاری زشت و ناپسند زد! او دستورداد تا مخفیانه برادرش را به قتل برسانند.

اوحکومت را به یک مغ (روحانی زرتشتی) سپرد زیرا به او خیلی اعتماد داشت و خود با سپاهیانش راهی مصر شد.کمبوجیه توانست در چندین جنگ سرتاسر مصر را به تصرف خود درآورد و آن را جزء قلمرو ایران کند در این موقع کشور ایران بسیـار بزرگ شد به طوری که قلمرو ایران آن زمان درحال حاضر به ۱۵ کشور تبدیل شده است.تصرف مصر کمبوجیه را مغرور کرد به همین خاطر او تصمیم گرفت به سرزمین های دیگر آفریقایی نیز حمله کند.

اما این کار او بسیار اشتباه بود زیرا سربازان ایرانی را گرفتار بیابان های آفریقا کرد و بسیاری ازسربازان در آن بیابان ها تلف شدند او پس از سال ها تصمیم گرفت به ایران برگردد اما دیگر بسیار دیر شده بود! برگشت کمبوجیه به ایران بیش از اندازه طول کشید مغی که درغیاب کمبوجیه ایران را اداره می کرد و از مردم ماد بود به وسوسه افتاد که حکومت را از چنگ کمبوجیه درآورد این روحانی یک برادر داشت که شباهت زیادی به بردیا داشت و اسمش گئومات بود او به مردم اعلام کرد که چون کمبوجیه آمدنش به ایران طول کشیده و چون ممکن است دیگر به ایران برنگردد به همین خاطر حکومت را به دست برادر کمبوجیه می سپارد. گئومات (بردیا دروغین) به محض رسیدن به قدرت برای جلب رضایت مردم مالیات چند سال را به مردم می بخشد.کمبوجیه درحال برگشت به ایران بود که خبر به پادشاهی رسیدن برادرش به او رسید کمبوجیه که خود برادرش را کشته بود از این خبر مات و مبهود می شود و

مشهور است که از شدت خشم و غضب دست به خودکشی می زند ولی روایت های دیگری هم وجود دارد که او درمسیر برگشت در اثر اتفاقی کشته می شود. در هر صورت وقتی خبر مرگ کمبوجیه به ایران می رسد گئومات بسیار خوشحال می شود و پادشاهی خود را قطعی می داند اما بعضی از بزرگان پارس که در راس آنها داریوش کبیر قرار داشت می دانستند که کمبوجیه برادر خود را کشته و این کسی که به اسم بردیا به قدرت رسیده قطعاً برادر او نیست. موضوع را با بسیاری درمیان می گذارند وقتی حقیقت آشکار می شود شورشی به راه می افتد که رهبری آن را داریوش برعهده می گیرد. داریوش با حمله به کاخ سلطنتی ، گئومات را به قتل می رساند و چون دیگر از کوروش بزرگ پسری باقی نمانده بود تا پادشاهی را به دست بگیرد ، داریوش خود به سلطنت رسید و چون او از بستگان کوروش کبیر بود همان سلسله هخامنشیان را ادامه می دهد. **دوران سلطنت داریوش کبیر ازسال ۵۲۲ تا سال ۴۸۶ پیش از میلاد** کوروش و داریوش بزرگ ترین پادشاهان هخامنشی و حتی می توان گفت بزرگ ترین پادشاهان ایران در طول تاریخ بودند. زمانی که داریوش به پادشاهی رسید مخالفان بسیاری داشت او جنگ های متعددی با مخالفان خود انجام داد و همه آنها را سرکوب نمود. حتی حاکمی را که کمبوجیه از طرف خود برای مصر تعیین کرده بود برعلیه داریوش دست به شورش زد ، به همین خاطر داریوش بزرگ به مصر حمله کرد و حاکم آن را کشت و دوباره مصر تحت فرمان حکومت مرکزی ایران درآمد. داریوش در کتیبه بیستون که بردیواره کوه کنده شده وهنوزهم پابرجا است ، به خط میخی چگونگی تمام این جنگ ها و پیروزی های خود را نوشته است.

داریوش پس از تصرف دوباره مصر دستور داد تا با کانال دریای سرخ را به دریای مدیترانه متصل کنند تا کشتی های ایرانی آسوده تر به قسمت های مختلف مصر دسترسی داشته باشند. این یکی ازعجیب ترین کارهایی بود که در دنیای آن روز انجام شده بود ، به دستور داریوش بزرگ کتبه ای سنگی در کنار این کانال نصب کرده بودند که چگونگی کندن کانال بر روی آن نوشته شده بود. بعدها این کتیبه به زیر خاک رفت. زمانی که فرانسوی ها کانال سوئز رابه شکل امروزی آن می کندند این کتبه را از زیر خاک درآوردند و درحال حاضر دریکی از موزه های فرانسه نگهداری می شود.

اما کار اصلی داریوش که باعث شهرت او درجهان شد به خاطر جنگ هایش نبود ، بلکه مربوط به چگونگی کشور داریش بود. داریوش بزرگ کشوری را اداره می کرد که بزرگترین کشور جهان آن روز بود! و تا آن زمان کشوری به آن بزرگی درجهان وجود نداشت! مسلماً اداره چنین کشوری که امروزه به ۱۵ کشور تبدیل شده است دردنیای آن روز کاری بسیـار سخت و غیر ممکن به نظر می رسید. اما داریوش کبیر این کار را ممکن ساخت. بسیاری ازکارهایی که داریوش در زمینه کشور داری انجام داد ، اختراع خودش بود و تا آن زمان درجهان سابقه نداشت و بعدها تمام کشورهای جهان نحوه کشور داری را از او و ایرانیان یاد گرفتند ، به همین خاطر تمدن ایران در زمان هخامنشیان تمدن برتر جهان بود و تمام جهانیان بسیاری از امور را از ایران تقلید می کردند. داریوش بزرگ برای اداره بهتر کشور ، آن را به استان های مختلف تقسیم کرد و برای هر استان یک شهربان(استاندار)انتخاب کرد(همانند کوروش بزرگ).

آنگاه تمام استانها را با جاده به هم متصل کرده و به فاصله یک روز پیاده روی در جاده ها مسافرخانه درست کرد. او دستور داد در داخل هر مسافرخانه سربازی با خانواده اش زندگی کند. اسبی تندرو هم دراختیار آن سرباز بود. هرگاه در گوشه ای ازکشور اتفاق مهمی می افتاد ، استاندار آن و یا ماموران مخفی داریوش خبر را به یک سوار کار می دادند و او بدون لحظه ای درنگ خود را به اولین مسافرخانه می رساند، در حالی که خودش و اسبش به شدت

خسته بودند نامه را به سربازی می دادند که درآن مسافرخانه زندگی می کرد. او نامه را گرفته و برروی اسب خود می پرید و با سرعت خود را به مسافرخانه بعدی می رساند به این ترتیب نامه که می باید طی چند ماه به دست داریوش برسد ظرف چند هفته به دستش می رسید! و داریوش کبیر از گوشه کنار کشور باخبر می شد. بعدها بسیاری از کشورها این کار داریوش را تقلید کردند.

در زمان داریوش به آن سازمانی که نامه ها را حمل می کرد "برید" و به کسانی که نامه راحمل می کردند "چاپار" و به آن مسافرخانه ها ، "چاپارخانه" می گفتند. به دستور داریوش کبیر درشهری به اسم "پارسه" بزرگترین کاخ هخامنشیان یعنی "تخت جمشید" ساخته می شود. درساخت این کاخ هزاران معمار هنرمند و کارگر ، کار می کردند. اما به گواهی تاریخ هیچ برده ای در آنجا کار نکرد و همه کسانی که درآنجا کار می کردند حقوق می گرفتند.
هخامنشیان علاوه بر "تخت جمشید" دو پایتخت دیگر هم داشتند ، به اسم شوش که زمستان ها و اکباتان که تابستان ها از آن استفاده میکردند

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «هخامنیشیان پس از کوروش»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://parsiandej.ir/articles/1537/pdf/هخامنیشیان-پس-از-کوروش.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵